

می شود:

لذات دنیوی همه هیچ است پیش من
در خاطر از تغیر آن هیچ ترس نیست
روز تنعم و شب عیش و عشرت مرا
غیر از شب مطالعه و روز درس نیست

این شعر از کیست و انتخاب آن چگونه بوده است؟

● **احسنت:** فکر می کنم شعر از خواجه نصیرالدین طوسی است و آقای نجات آن را پیشنهاد داد.

ناشر کتاب آن طور که در پشت جلد آن آمده، «دبیرستان نمونه توحید» بوده است. دبیرستان توحید از دبیرستان های معروف شیراز و ظاهراً دبیرستان موفق بوده است. به عنوان نمونه، **داریوش دبیری** که در سال ۱۳۶۳ در مسابقات ریاضی کشور مقام آورده است، علی ثابیان که در سال ۱۳۶۶ عضو تیم المپیاد ریاضی ایران بود و **محمدصادق تواضعی** که در سال ۱۳۷۶ عضو تیم المپیاد ریاضی ایران بود، از دانش آموزان آن بوده اند. این دبیرستان الان چه وضعی دارد؟ چون احتمالاً شما آنجا درس می داده اید و شاید هنوز هم تدریس می کنید و از وضع آن باخبرید.

● **احسنت:** البته ناشر کتاب در تهران بود و دبیرستان توحید مرکز پخش کتاب بود. در مورد دبیرستان توحید باید بگویم که قبل از انقلاب این دبیرستان به عنوان یک دبیرستان نمونه دولتی (شبه دبیرستان البرز تهران) تأسیس شد و نام آن دبیرستان دانشگاه بود. ارتباطهایی با دانشگاه شیراز (دانشگاه پهلوی سابق) داشت. روش انتخاب دانش آموزان آن هم این طور بود که نخبه های استان (اعم از شهرها و روستاها) را انتخاب و آن ها را در چهار کلاس (دو کلاس شهری و دو کلاس روستایی) سازمان دهی می کردند و آموزش می دادند. اعضای هیئت علمی آن هم از دانشگاهیان بودند.

بعد از انقلاب هم به مدرسه نمونه مردمی تبدیل و از دانشگاه جدا شد. من از سال ۱۳۶۴ برای تدریس درس هندسه سال اول به این دبیرستان دعوت شدم و چند سال آنجا بودم تا آنکه آقای نجات را برای کمک به من به جمع اضافه کردند که بعد به فکر تألیف آن کتاب به کمک ایشان افتادم.

گفت و گو با احمد احسنت دبیر نمونه ریاضی استان فارس

لذات حل مسئله

اشاره

آشنایی من با نام احمد احسنت به حدود ۲۰ سال پیش برمی گردد. سال ۱۳۷۵ و در سفری به شیراز، در یک کتابفروشی کتابی از هندسه توجهم را جلب کرد که دو مؤلف داشت و احمد احسنت یکی از آن ها بود. بعدها در سفر به شهرهای متفاوت و شرکت در کنفرانس های آموزش ریاضی می دیدم که معمولاً نام ایشان هم از شرکت کنندگان از استان فارس در فهرست حاضران است.

این ها، به اضافه فعالیت های مستمر و تألیف کتاب های گوناگون ریاضی شهرتی به ایشان بخشیده است که وقتی امسال برای شرکت در چهاردهمین کنفرانس آموزش ریاضی به شیراز رفتیم، فرصت را برای انجام مصاحبه ای مغتنم شمردیم و در حاشیه کنفرانس و در محل برگزاری آن، گفت و گوی کوتاهی هم با این فرهنگی خوش نام شیراز انجام دادیم؛ گفت و گویی که از سال ها پیش در پی آن بودم. در این گفت و گو آقای عنایت الله راستی زاده (همکار مجله برهان و از دبیران فعال ریاضی شهر شیراز) نیز ما را همراهی کرد.

● **شرقی:** به نام خدا. امروز سه شنبه شانزدهم شهریور ۱۳۹۵ در خدمت استاد احمد احسنت هستیم. من اولین سؤالم را از مبداء آشنایی ام با شما، یعنی کتاب هندسه پایه، نوشته شما و آقای محمد مهدی نجات شروع می کنم. مقدمه کتاب با این شعر شروع

یکی از روش‌های تقویت تفکر و باز شدن فکر، تلاش برای حل مسئله است



کنکور چقدر تأثیر داشته است؛ جو کنکور، نکته، تست و این حرف‌ها؟

● **احسنت:** کنکور که البته همیشه برای نخبگان، نقش بازدارنده داشته است. ولی خب المپیاد هم البته مسیر دشواری دارد. دانش‌آموزانی داشتیم که بعد از مدت‌ها تلاش، نمی‌توانستند در المپیاد موفقیت چشم‌گیری به‌دست آورند و این باعث سرخوردگی آن‌ها می‌شد. ولی کنکور راه آسان‌تری برای نتیجه‌گیری است و در نتیجه بچه‌ها بیشتر به این سمت می‌روند که سدی برای پیشرفت علمی و موفقیت واقعی آنان می‌شود.

می‌شود نتیجه گرفت که در کل کشور مانعی برای پیشرفت علمی بچه‌ها شده است؟

● **احسنت:** بله موضوع کلی است. علاوه بر آن، وقتی مدارس تیزهوشان تأسیس شد، آن هم آثار منفی داشت. تیزهوشی پدیده‌ای ذاتی است و باید درون دانش‌آموز باشد تا در جایی و محفلی تصادفاً خود را نشان دهد. این‌طور نیست که با یک آزمون تستی بتوان تیزهوش بودن کسی را تشخیص

شیراز دبیرستان‌های خوب زیادی داشت که دانش‌آموزان خوبی را تربیت می‌کردند و می‌خواهم به بعضی دیگر از آن‌ها اشاره کنم. مثلاً **محمدعلی خجسته‌پور**، از «دبیرستان شرافتی» عضو تیم المپیاد ریاضی و **حسین عباس‌پور** از «دبیرستان ملاصدرا» و **محمد غلامزاده** از «دبیرستان اندیشه» که این‌ها هم در سال‌های اولیه عضو تیم‌های المپیاد ریاضی ایران بودند. اما در سال‌های دهه ۱۳۷۰ به تدریج سهم شیراز در المپیاد ریاضی کاهش می‌یابد. علت این افت را چه می‌دانید؟

● **احسنت:** من فکر می‌کنم یکی از علت‌های اصلی‌اش این است که رقابت کمتر شده است. در آن سال‌ها فقط چند مدرسه خوب بودند (مثل همان مدرسه توحید، یا ملاصدرا یا شرافتی)، ولی بعدها تعداد این مدارس بیشتر شد و مدارس مختلف (نمونه دولتی، نمونه مردمی، غیرانتفاعی، تیزهوشان و...) به وجود آمدند. در نتیجه نخبگان در مدارس پخش شدند و آن رقابت جدی از بین رفت. وقتی آن‌ها یکجا جمع بودند، بینشان رقابت خیلی بیشتر بود که باعث پیشرفت می‌شد.

وقت و جایی برای لذت بردن از حل مسئله باقی نگذاشته‌اند. کتاب‌های کمک‌درسی هم بسیار زیاد شده‌اند که حل کامل مسائل را بی‌زحمت در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارند و دیگر جایی برای اندیشه و تفکر برای او باقی نمی‌گذارند.

آن وقت که ما کتاب هندسه پایه را نوشتیم، حل بسیاری از مسائل را در آن نگذاشته بودیم و راهنمایی‌های مختصری کرده بودیم. در واقع باقی کار را به‌عهده دانش‌آموزان گذاشته بودیم.

پس با این حساب شما که آن تجربه‌ها را داشته‌اید و آن دوران‌ها را سپری کرده‌اید، باید برایتان خیلی سخت باشد که با این شرایط روبه‌رو شده‌اید؟! ● **احسنت:** بله خیلی سخت است! دانش‌آموزی به من مراجعه کرد و گفت: آقای احسنت ما هر کتابی می‌بینیم، حل کامل مسئله‌ها را به ما داده است. چرا شما از ما می‌خواهید مسئله‌ها را خودمان حل کنیم؟! گفتیم: یکی از روش‌های تقویت تفکر و باز شدن فکر، تلاش برای حل مسئله است. من اصلاً اصراری به حل مسئله و رسیدن به جواب ندارم! مهم همان فکر کردن است.

احسنت به آقای احسنت! پیام اصلی ما هم همین است که اجازه می‌خواهم مقداری آن را پررنگ‌تر کنم: «مهم نیست که مسئله حل شود، مهم آن است که به حل آن فکر شود!»
خب آقای احسنت شما از کی تدریس ریاضی را شروع کردید؟

● **احسنت:** من وقتی دانشجوی سال دوم رشته ریاضی در «دانشگاه فردوسی» مشهد بودم، در سال ۱۳۵۱ تدریس ریاضی را شروع کردم. مدرسه‌ای در مشهد بود که از آنجا به دانشکده ریاضی آمده بودند و از آن‌ها خواسته بودند که برای تدریس ریاضی دانشجوی موفق را معرفی کنند. آن‌ها از شاگرد اول دانشکده خواسته بودند که او گفته بود نمی‌تواند تدریس کند. بعد آمدند به سراغ شاگرد دوم که من بودم و من پذیرفتم. هفته‌ای دو جلسه می‌رفتم و حساب استدلالی و جبر تدریس می‌کردم. بچه‌های خوب و علاقه‌مندی بودند و من هم به معلمی و تدریس علاقه داشتم. بعد از فارغ‌التحصیلی هم برگشتم به استان فارس و اینجا



آن‌هایی که به شعر و شاعری علاقه دارند، هم می‌توانند از ریاضیات کمک بگیرند. زیرا ریاضیات به باز شدن ذهن و خلاقیت آن‌ها کمک می‌کند

دادا! وقتی مدارس تیزهوشان تأسیس شدند، خب من هم اوایل با آن‌ها همکاری داشتم. اگر یادتان باشد، اوایل خوب بودند، اما به تدریج از کیفیت آن‌ها کاسته شد و آن‌ها هم خود از عوامل این افت شدند.

شما الان هم تدریس می‌کنید. آیا بین دانش‌آموزان الان خودتان کسانی هم سطح دانش‌آموزان آن دوره می‌بینید؟

● **احسنت:** خیر، الان اصلاً از لحاظ سطح قابل مقایسه با آن دوره نیستند. آن موقع بچه‌ها مسائل را با علاقه حل می‌کردند، الان حل مسائل را می‌خواهند! اصلاً نمی‌خواهند مسئله را با صرف وقت و تفکر حل کنند.

دانش‌آموزان، آن زمان وقتی مسئله‌ای را حل می‌کردند، حسی پیدا می‌کردند که این حس را من و شما هم تجربه کرده و می‌کنیم؛ یعنی «لذت حل مسئله». این لذت کجا رفته است که شما هم در مقدمه کتابتان و در آن شعر به آن اشاره کرده‌اید؟

● **احسنت:** لذت‌های کاذب آمده‌اند و جای آن را گرفته‌اند! اینترنت، تلفن همراه، فضای مجازی و...

معلمی ریاضی را ادامه دادم. مدتی در «لار» بودم و بعد به شیراز منتقل شدم. بعدها در سال ۱۳۷۰ به کرمان رفتم و از آنجا فوق لیسانس ریاضی کاربردی گرفتم.

📌 **تحصیلات ابتدایی شما در دهه ۱۳۴۰ بوده است، احتمالاً در شیراز. در آن سال‌ها با «مجله یکان» آشنایی داشتید؟**

● **احسنت:** بله، در سال‌های پنجم و ششم ریاضی یکان را زیاد می‌خواندم و مسائل آن را حل می‌کردم.

📌 **از معلم‌های دوره دبیرستانتان کسانی هستند که بخواهید از آنان نام ببرید؛ به‌عنوان اینکه روی شما تأثیر بسزایی داشته‌اند؟**

● **احسنت:** بله. از دبیران ریاضی ششم دبیرستان (سال دوازدهم)، آقای دکتر **جوادی‌پور** که جبر، هندسه تریسمی و رقومی تدریس می‌کردند و روی کار من تأثیری بسیار داشتند.

📌 **کدام دبیرستان؟**

● **احسنت:** «دبیرستان شاهپور» که از دبیرستان‌های خوب و قدیمی شیراز بود. و آقای **دسترنج** دبیر هندسه سال چهارم دبیرستان که خیلی خوب کار می‌کرد و روی ما اثرگذار بود.

📌 **خب به سال‌های اخیر برگردیم، شما در دهه ۱۳۷۰ آن کتاب را نوشتید، به کرمان رفتید، کارشناسی ارشد ریاضی گرفتید، به شیراز برگشتید و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ سرگروه ریاضی استان بودید. آیا در این سال‌ها ایده یا طرحی برای پیشرفت آموزش ریاضی در استان فارس یا شهر شیراز ارائه داده‌اید؟**

● **احسنت:** بله. در دوره‌ای کارگاه تفکر ریاضی راه انداختیم، کلاس‌های المپیاد ریاضی داشتیم، از دانشجویان المپیادی خواستیم که به بچه‌ها تدریس کنند و مجله ریاضی داشتیم.

📌 **نظرتان درباره مجله ما چیست؟ چه توصیه‌ای به ما می‌کنید؟**

● **احسنت:** ابتدا توصیه می‌کنم که مجله را به نحو

مناسبتی به‌دست بچه‌ها برسانید و کاری کنید که با آن آشنا شوند و از مطالب آن استفاده کنند. در مورد محتوا هم اگر بشود کاری کرد که مثل «یکان»، ارتباط بهتری با دانش‌آموزان برقرار شود، خیلی خوب است.

📌 **البته اگر کنکور و تست بگذارند! چون بچه‌ها فکر می‌کنند مطالب مجله ما مستقیماً کمکی به آن‌ها نمی‌کند! با این حال چه توصیه‌ای به خوانندگان ما، یعنی دانش‌آموزان دارید؟**

● **احسنت:** به آن‌ها می‌گویم باور کنند که اگر ریاضی بدانند، به همه چیز آن‌ها کمک می‌کند! حتی آن‌ها که به شعر و شاعری علاقه دارند، هم می‌توانند از ریاضیات کمک بگیرند. زیرا ریاضیات به باز شدن ذهن و خلاقیت آن‌ها کمک می‌کند و باعث می‌شود آثار بهتری خلق کنند.

📌 **سیاس فراوان از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.**

بیکار جو!
پرسش‌های

؟

سه نفر می‌توانند هر یک به تنهایی کاری را انجام دهند. اگر دومی و سومی با هم کار را انجام دهند، مدت زمان کار نصف وقتی می‌شود که اولی به تنهایی کار را انجام دهد. ولی اگر اولی و سومی با هم کار کنند، زمان اتمام کار، یک‌سوم مدتی است که دومی به تنهایی کار را به اتمام برساند. اگر اولی و دومی با هم کار کنند، زمان لازم چند برابر مدت زمانی است که سومی به تنهایی لازم دارد تا کار را انجام دهد؟

الف) $\frac{1}{4}$

ب) $\frac{2}{3}$

ج) $\frac{3}{7}$

د) $\frac{5}{7}$

ه) $\frac{1}{7}$

